



**درباره انتخابات ایالات متحده:
سیاست روسیه پس از ۲۰۱۶
(جاکوب پاراکیلاس)**

چتم هاوس

ترجمه شده در
مرکز بررسی‌های استراتژیک ریاست جمهوری
بهمن ۱۳۹۵

عنوان گزارش: درباره انتخابات ایالات متحده: سیاست روسیه پس از ۲۰۱۶

US Election Note: Russia Policy After 2016

نویسنده: جاکوب پاراکیلایس

Jacob Parakilas

ناشر: چتم هاوس

Chatham House

تاریخ انتشار: آوریل ۲۰۱۶

گروه ترجمه: جواد عرب یارمحمدی

ناظران: ابوالفضل غیاثوند، ابوالقاسم اسکندری

کلیه حقوق این اثر متعلق به مرکز بررسی‌های استراتژیک ریاست جمهوری است.
هر گونه بازنشر این گزارش بدون اجازه کتبی مرکز بررسی‌های استراتژیک ریاست جمهوری ممنوع است.

فهرست مطالب

۵	ضرورت ترجمه گزارش‌های راهبردی
۶	مقدمه مرکز بررسی‌های استراتژیک
۸	مقدمه
۸	پیش‌زمینه
۹	اوکراین
۱۰	ایران
۱۰	سوریه
۱۱	تسلیمات هسته‌ای
۱۱	مواضع سیاستی
۱۱	نامزدهای دموکرات
۱۱	هیلاری کلینتون
۱۳	بارنی سندرز
۱۴	نامزدهای جمهوری خواه
۱۴	دونالد ترامپ
۱۶	تد کروز
۱۷	دلالت‌های بین‌المللی
۲۰	درباره نویسنده
۲۰	درباره سری یادداشت انتخاباتی ۲۰۱۶ ایالات متحده

ضرورت ترجمه گزارش‌های راهبردی

نوشتارها به افکار جهت و افکار به جهان شکل می‌دهند. جهان امروز نیز دربرگیرنده هزاران اندیشکده، مؤسسه مطالعات راهبردی و اتاق‌های فکری است که کارشناسان و تحلیل‌گران راهبردی را در خود گرد آورده‌اند و با انتشار گزارش‌های راهبردی بر افکار سیاستمداران، بخش خصوصی، رسانه‌ها و جوامع تأثیر می‌گذارند. نزدیک به هفت هزار اندیشکده در جهان وجود دارد که مجموعه گسترده‌ای از دانش راهبردی درباره موضوعات مختلفی از محیط‌زیست تا اقتصاد، روابط بین‌الملل، و مسائل نظامی و امنیتی را منتشر می‌کنند. این مؤسسات هم‌چنین می‌کوشند تا برآوردهای خود از آینده را نیز ارائه کنند و آینده‌پژوهی یکی از مهم‌ترین اقدامات آن‌ها است.

آگاهی یافتن از موضوعات مدنظر اندیشکده‌ها و مؤسسات مطالعات راهبردی در جهان یکی از ضرورت‌های تفکر راهبردی در ایران است. تحلیل‌گران و استراتژیست‌های ایرانی برای ارائه تحلیل‌هایی که متضمن تأمین منافع ملی باشد به شناخت گزارش‌های اندیشکده‌های خارجی نیازمند هستند. این‌گونه گزارش‌ها هم‌چنین به لحاظ روش‌شناختی نیز گاه حائز اهمیت هستند. پوشیده نیست که هنوز روش‌شناسی پژوهش‌های راهبردی و حتی گاه شیوه نگارش گزارش‌های راهبردی مؤثر نیز در میان بسیاری از اندیشکده‌های ایرانی کاستی‌هایی دارد.

مرکز بررسی‌های استراتژیک با هدف توجه دادن کارشناسان و تحلیل‌گران کشور، و هم‌چنین جهت اطلاع‌یابی مدیرانی که در معرض مسائل و تصمیم‌گیری‌های راهبردی هستند، نسبت به ترجمه و بنا به مورد انتشار محدود یا عمومی مجموعه‌ای از متون راهبردی اقدام می‌کند. مرکز بررسی‌های استراتژیک اگرچه پیشگفتارهای کوتاهی را به ابتدای این گزارش‌ها می‌افزاید و تلاش دارد تا قرائت تحلیل‌گران این مرکز از هر گزارش را ارائه نماید، اما مندرجات این گزارش‌ها الزاماً بیانگر دیدگاه‌های مرکز بررسی‌های استراتژیک نیستند. امید است این اقدام به تعمیق تفکر راهبردی کمک نماید. مرکز بررسی‌های استراتژیک از هرگونه نقد و نظر و هم‌چنین دریافت نظرات مخاطبان این مجموعه درباره مندرجات گزارش‌ها استقبال می‌کند. کارشناسان و تحلیل‌گران هم‌چنین می‌توانند متون راهبردی را که ترجمه و ارائه آن‌ها به جامعه کارشناسان و تحلیل‌گران راهبردی کشور مناسب است به این مرکز پیشنهاد کنند.

حسام‌الدین آشنا

سرپرست مرکز بررسی‌های استراتژیک

مقدمه مرکز بررسی‌های استراتژیک

متن حاضر پیش از نهایی شدن کاندیداهای دو حزب دموکرات و جمهوری خواه آمریکا نوشته شده و دیدگاه‌های نامزدهایی نظیر هیلاری کلینتون، تد کروزر، برنی سندرز و دونالد ترامپ در آن بررسی شده است. نتایج انتخابات اکنون مشخص شده و دونالد ترامپ در قدرت قرار گرفته است و بنابراین آگاهی از دیدگاه‌های سه نامزد دیگر فقط به جهت شناخت دیدگاه‌های نمایندگان نزدیک به دو حزب دموکرات و جمهوری خواه اهمیت دارد اما همان گونه که متن نیز تأکید می‌کند، دونالد ترامپ دیدگاه‌هایی متفاوت از جریان اصلی سیاست خارجی آمریکا دارد و اهمیت متن نیز در تحلیل روندها و تغییراتی است که احتمالاً با حضور ترامپ در کاخ سفید ایجاد خواهد شد. یاکوب پاراکیلاس در خصوص سیاست خارجی ترامپ در قبال روسیه بر موارد زیر تأکید می‌کند.

- کروزر یا کلینتون در صورت ریاست جمهوری، حضور نظامی آمریکا در اروپا را تقویت خواهند کرد تا مانع از اثرگذاری روسیه شوند، سندرز برای جلوگیری از پیشروی روسیه رویکردهای دیپلماتیک را در دستور کار خود قرار می‌دهد و این در حالی است که ترامپ به طور معناداری به دنبال عقب‌نشینی است.
- ترامپ متمایل است نیروهای آمریکایی از کشورهای متحد خارج شده یا متحدان ملزم شوند در ازای حمایت استراتژیک، بهای آن‌را به صورت مالی یا به صورت متقابل بپردازند. اظهارات او به طور مشخص در مورد ناتو بیانگر آن است که او منافع حاصل از خروج از تعهدات ائتلافی را بسیار بیشتر از هرگونه منافع امنیتی ناشی از چنین تدابیری می‌داند.
- ترامپ تنها نام تعداد اندکی از مشاوران سیاست خارجی خود را اعلام کرده است و تعداد اندکی از آن‌ها در ریاست جمهوری‌های قبلی خدمت کرده‌اند. به نظر می‌رسد که تنها یکی از آن‌ها (کارتر پیچ) در امور روسیه متخصص است و تا جایی که دیدگاه‌های او مشخص شده است، آن‌ها با ناتو بسیار مخالف‌تر از آنچه هستند که در محافل امنیت ملی حزب جمهوری خواه رایج است.
- ترامپ نیز احتمالاً توافق را با وجود انتقاداتی که بر آن دارد حفظ می‌کند و اگرچه ممکن است سعی کند فرصت‌هایی برای شرکت‌های آمریکایی برای رقابت با هم‌تایان اروپایی خود در ایران ایجاد کند، اما این راهبرد، نقش روسیه را در آنجا تغییر نخواهد داد.
- ترامپ بیشترین انحراف را در استراتژی رابطه با روسیه طی ۷۰ سال گذشته خواهد داشت. تمایل آشکار وی برای ترسیم مرزهای منافع ملی آمریکا به گونه‌ای که درها را برای آزادی عمل روسیه در اروپا و خاورمیانه باز کند، او را در دسته‌بندی متمایزی در میان سیاستمداران آمریکا قرار می‌دهد. همچنین سیاست ترامپ بدان معنا است که به جای تلاش ایالات متحده برای دفاع از نظم جهانی فعلی و تلاش روسیه برای به چالش کشیدن آن، هر دو کشور به وضعیت موجود حمله خواهند کرد.
- ترامپ در تلاش برای اجرایی کردن این سیاست (مثلاً با خارج کردن سربازان آمریکایی از اروپا) احتمالاً با مخالفت هر دو حزب در گنگره و همچنین در بوروکراسی اجرایی مواجه خواهد شد. اما او وقتی توسط رقبای خود به چالش کشیده شده است، علاقه‌ای به همکاری یا صرفنظر کردن از هدف خود نشان نداده است. بنابراین او احتمالاً چنین موانعی را رفع کرده و تلاش می‌کند سیاست‌های خود را از طریق دستورات اجرایی پیاده کند (که باز هم ممکن است گنگره آن‌ها را رد کند). این تنش، میزان تغییراتی که او می‌تواند در مسیر ایالات متحده ایجاد کند را محدود می‌کند، اما منجر به ایجاد نااطمینانی می‌شود و این اثباتی بر ادعای او است که آمریکا یک متحد سرگردان و غیرقابل اتکا است. این امر به نوبه خود انگیزه را برای روسیه فراهم می‌کند که بتواند در مورد اروپا، خاورمیانه و مسائل وسیع‌تری از امنیت بین‌الملل، جبهه بگیرد.
- کشورهای اروپای شرقی به طور مشخص باید تصمیم بگیرند با توجه به آن که ایالات متحده دیگر تمایل ندارد به آن‌ها

در بازداری از پیشروی روسیه کمک کند، آیا می‌توانند جهت‌گیری غربی خود را حفظ کنند و همچنین کشورهای اروپای غربی ممکن است مجبور باشند در رابطه با این که تا چه حدی می‌توانند اتحاد خود را در مقابل تحریم‌ها و اوکراین حفظ کنند، تجدیدنظر جدی نمایند.

تأکیدات نویسنده، آن‌چه در مدت کوتاه ریاست جمهوری ترامپ آشکار شده، ماجرای استعفای مایکل فلین به دلیل ارتباط با روسیه و گمانه‌زنی‌ها درباره اطلاع ترامپ از این ارتباطات و حساس شدن کنگره و بسیاری از سیاستمداران آمریکایی به رویکرد ترامپ و همکارانش نسبت به روسیه، اهمیتی مضاعف به موضوع روابط آمریکا و روسیه دوران ترامپ می‌دهد. استعفای فلین نشان داد که ترامپ در پیش بردن راهبرد نزدیکی به روسیه راه آسانی در پیش نخواهد داشت.

به‌رغم وجود شواهدی دال بر تجدید رویه دیپلماتیک آمریکا در برابر روسیه در دوران ترامپ، به نظر نمی‌رسد که عمق اختلافات و تضاد منافع دو کشور با انتخاب دونالد ترامپ به ریاست جمهوری آمریکا برطرف شود. با این انتظار داریم که دولت جدید آمریکا تلاش بیشتری را برای نزدیک شدن و همکاری با روسیه در زمینه‌های اختلاف آغاز کنند ولی همچنان به موجب نگرش منفی مردم آمریکا به روسیه، انتظار می‌رود که کنگره، نرمش واشنگتن در برابر روسیه منتقدان سرسختی داشته باشد.

جمهوری اسلامی ایران به‌طور معمول نمی‌تواند نقش تعیین‌کننده‌ای در کیفیت روابط روسیه و آمریکا ایفا کند اما نباید از تأثیرات مهم این رابطه بر خطوط آبی سیاست خارجی ایران غافل بماند. جمهوری اسلامی ایران در روابط بسیار نزدیک و صمیمانه یا روابط خصم‌آمیز آمریکا و روسیه منافع چندانی نخواهد داشت، بلکه وجود رابطه باثبات و پیش‌بینی‌پذیر به سود ایران است. روسیه و آمریکا هنگامی که منافع همپوشانی داشته باشند، احتمال بیشتری وجود دارد که روسیه انگیزه‌ای برای مخالفت با خواسته‌های آمریکا در برابر و به زیان ایران نداشته باشد. در طرف دیگر، تیرگی بیش از حد این روابط نیز موجب می‌شود که ایران در همکاری استراتژیک با مسکو به بخشی از دایره منازعه سیاسی و احتمالاً نظامی روسیه و آمریکا کشانده شود یا زمانی که روسیه خواستار معامله‌ای با آمریکا در حوزه منافع حیاتی خود باشد، ایران را وجه‌المصلحه قرار دهد.

بحران سوریه و مبارزه بلندمدت با تروریسم و افراطی‌گری در شرایطی که سطحی از همکاری مطلوب میان روسیه و آمریکا وجود داشته باشد، با منافع درازمدت ایران سازگار است. این شکل از همکاری باعث می‌شود بحران و راه‌حل‌های خروج از آن در سوریه با بازی حاصل جمع جبری صفر برابر نباشد. امکانات و گزینه‌های سیاسی نیز در این شرایط تنوع خواهند یافت.

مقدمه

یکی از چالش‌های مهم ژئوپولیتیک برای رئیس‌جمهور آینده ایالات متحده، مدیریت روابط این کشور با روسیه است. در حالی که دوره اول ریاست جمهوری باراک اوباما دوره نسبتاً آرامی برای دو کشور بود و ویژگی قابل اشاره آن، تلاش آمریکا برای «از سرگیری» روابط با روسیه بود، اما از سال ۲۰۱۳ تنش‌ها بین دو کشور افزایش یافت، به طوری که اینک به بیشترین سطح خود از پایان جنگ سرد تاکنون رسیده است.

با این حال، هر چند ایالات متحده و روسیه اختلافات آشکاری بر سر ساختار و عملکرد نظم فعلی جهان دارند، اما دارای منافع مشترک زیادی نیز هستند. دامنه این منافع از موضوعات کلی همچون منع گسترش هسته‌ای تا اقدامات مشترک بسیار خاص همچون راه‌اندازی ایستگاه فضایی بین‌المللی گسترده است. ایالات متحده در روابط خود با روسیه عمدتاً یک رویکرد دوسویه^۱ اتخاذ کرده است که بخشی از آن مستلزم جدایی عمیق دو کشور و بخشی نیازمند انسجام دو کشور است. رئیس‌جمهور آینده باید قادر باشد به سمت منافع ملی و جهانی حرکت کند و این در حالی است که احتمالاً دولت روسیه همچنان برای به چالش کشیدن اصول اساسی نظم جهانی مصمم خواهد بود. در این یادداشت انتخاباتی، استراتژی‌هایی که نامزدهای اصلی دو حزب در این خصوص مطرح کرده‌اند، بررسی می‌شود.

پیش‌زمینه

مسئله روسیه در انتخابات ریاست جمهوری سال ۲۰۱۲، یک موضوع سیاسی کم‌اهمیت بود (البته جدای از بحث جالبی که بین میت رامنی^۲ و اوباما^۳ طی مناظره سوم شکل گرفت). اکنون پس از چهار سال، شرایط بسیار متفاوت شده است. روسیه به پشتوانه افزایش قیمت نفت تا اواسط سال ۲۰۱۴، نیروی نظامی خود را با تمرکز بر ایجاد نیروهای کمتر اما مجهزتر و توانمندتر تقویت کرد. روسیه در سال ۲۰۱۴، کریمه^۴ را به خاک خود الحاق نموده و از جنبش اعتراضی در شرق اوکراین حمایت کرد و حتی پس از آن که یک هواپیمای مالزی (از مبدا آمستردام) بر فراز منطقه تحت کنترل نمایندگان روسیه در خاک اوکراین ساقط شد نیز این اقدامات روسیه همچنان ادامه یافت.

ایالات متحده در پاسخ به این اقدامات، تحریم‌هایی علیه نزدیکان ولادیمیر پوتین^۵ و بخش‌هایی از اقتصاد روسیه اعمال کرده و متحدان اروپایی خود را نیز به همین کار تشویق نمود. همچنین حضور نظامی خود را در اروپا تقویت کرد. لازم به ذکر است که چون طی ۲۵ سال گذشته، عوامل اصلی تهدیدکننده منافع آمریکا به خارج از اروپا منتقل شده بود، حضور نظامی آمریکا در این منطقه کاهش یافته بود.

^۱ two-track approach

^۲ Mitt Romney

^۳ Obama

^۴ Crimea

^۵ President Vladimir Putin's inner circle

پس از آن که ایالات متحده این اقدامات را اتخاذ کرد، قیمت‌های نفت با شیب تندی کاهش یافت که اثر شدیدی بر اقتصاد مبتنی بر نفت روسیه داشت.

سیاست‌های خارجی روسیه و ایالات متحده در مورد مسائل متعدد جهانی با هم در تقابل است، اما چهار مسئله وجود دارد که این تقابل در آن‌ها برجسته است و احتمالاً پس از آنکه رئیس‌جمهور جدید نیز انتخاب شود، همچنان برجسته خواهد ماند: اوکراین، ایران، سوریه و سلاح‌های هسته‌ای.

اوکراین

مشکلات اساسی در روابط اوکراین با ایالات متحده (و اروپا) از اوایل سال ۲۰۱۴ به وجود آمد که روسیه کریمه را به خاک خود الحاق کرد و از گروه‌های شورشی در منطقه دنباس^۱ در اوکراین حمایت نمود. بعید است که این مسائل در آینده نزدیک حل و فصل شوند. هیچ نشان‌هایی وجود ندارد که روسیه این الحاق (که با یک رأی‌گیری در پارلمان روسیه در مارس ۲۰۱۴ رسمی شد) را لغو کند و روشن است که بر اساس استراتژی بلندمدت خود برای اعمال کنترل بر «خارج نزدیک»^۲ قصد دارد در مرزهای خود با اوکراین، بی‌ثباتی ایجاد کند. توافق‌نامه‌های مینسک^۳ تنها توانست درگیری در دنباس را اندکی کاهش دهد و دستیابی به یک راه‌حل سیاسی بلندمدت‌تر همچنان دور از دسترس است.^۴ تاکنون، ایالات متحده برای حمایت از نیروی نظامی اوکراین مجموعه‌ای از کمک‌های غیرمخرب^۵ همچون لباس فرم، لباس‌های ضدگلوله، عینک‌های دید در شب و خودروهایی نظامی را در اختیار آن قرار داده است، اما به درخواست اوکراینی‌ها برای تسلیحات پیشرفته، به‌ویژه موشک‌های ضدتانک پاسخ نداده است. در رابطه با مسئله تداوم تحریم‌های ایالات متحده بر روسیه اجماع نظر وجود ندارد؛ از نظر شورای اروپا^۶ باید این تحریم‌ها را به صورت منظم تجدید کرد، اما برخی دولت‌ها ترجیح می‌دهند که این تحریم‌ها برداشته شود.^۷ در نتیجه، وظیفه رئیس‌جمهور آینده رسیدگی به نگرانی‌های امنیتی و اقتصادی اتحادیه اروپا و در عین حال، تدوین یک استراتژی بلندمدت پایدار در قبال روسیه، اروپا و اوکراین خواهد بود.

۱ Donbas

۲ near abroad

در سیاست روسیه و برخی دولت‌های پس از شوروی، «خارج نزدیک» اشاره به جمهوری‌های تازه استقلال‌یافته (به‌جز روسیه) دارد که پس از فروپاشی اتحاد شوروی به وجود آمدند.

۳ Minsk Accords

۴ اخبار صدای آمریکا (۲۰۱۶)، «آلمان و فرانسه، اوکراین و روسیه را به اجرای توافق مینسک ترغیب می‌کنند» ۲۳ فوریه ۲۰۱۶.

<http://www.voanews.com/content/german-french-foreign-ministers-anxious-about-ukraine/3203343.html>

۵ non-lethal aid

۶ European Council

۷ شورای اروپا (۲۰۱۶)، «اقدامات محدودکننده اتحادیه اروپا در واکنش به بحران اوکراین».

<http://www.consilium.europa.eu/en/policies/sanctions/ukraine-crisis/>

ایران

ایالات متحده و روسیه به همراه چین، فرانسه، بریتانیا و آلمان برای توسعه و اجرای «برنامه جامع اقدام مشترک (برجام)» بر سر برنامه هسته‌ای اخیر ایران با این کشور همکاری کردند. بنابراین در حال حاضر همه این کشورها متعهد به اجرای برجام هستند که به موجب آن، ایران از توسعه برنامه سلاح‌های هسته‌ای منع می‌شود و در قبال حذف اکثر تحریم‌هایی که بر این کشور اعمال شده است فعالیت‌های غنی‌سازی و بازفرآوری^۱ را کاهش می‌دهد. روسیه روابط تجاری مختلفی (از جمله فروش تسلیحات) و همچنین منافع ژئواستراتژیک مشترکی در خاورمیانه (از جمله سوریه) با ایران دارد. احتمالاً این امر منجر به مستحکم‌تر شدن روابط دوجانبه آن‌ها در سال‌های پیش رو می‌شود.^۲ در این چارچوب، رئیس‌جمهور آینده ایالات متحده مجبور خواهد بود با روسیه همکاری کند تا مطمئن شود ایران، توافق صورت گرفته بر سر فعالیت‌های هسته‌ای خود را اجرا می‌کند.^۳

سوریه

سوریه همانطور که قبل از سال ۱۹۹۱ با اتحادیه شوروی همراه بود، اکنون نیز مدت‌ها است که با روسیه متحد شده است. روسیه در طرطوس^۴ یک پایگاه نظامی دارد که تنها تأسیسات نظامی روسیه در خارج از قلمرو شوروی سابق بوده است. از ابتدای شکل‌گیری اعتراضات علیه رئیس‌جمهور سوریه، بشار الاسد^۵، در سال ۲۰۱۱ روسیه از وی پشتیبانی کرده است. در سال ۲۰۱۳ ایالات متحده و روسیه بر سر برنامه‌ای برای امحای انبار تسلیحات شیمیایی رژیم سوریه به توافق رسیدند که نیاز به اقدام نظامی آمریکا را از بین برد، اما خلی در کمک‌های رایج روسیه به این رژیم وارد نکرد. در سال ۲۰۱۵، روسیه به منظور حمایت از این رژیم درگیر جنگ، شروع به دخالت نظامی در سوریه کرد. در این میان، از ایالات متحده خواسته شد تا به حذف اسد کمک کند و این کشور نیز (هرچند با تردید) از گروه‌های شورشی مخالف اسد پشتیبانی کرد. برخلاف، گمانه‌زنی‌ها مبنی بر این که نیروهای روسیه دولت اسلامی عراق و شام (داعش) را هدف قرار خواهند داد، اما آن‌ها عمدتاً به سایر گروه‌های شورشی از جمله نیروهای تحت حمایت ایالات متحده حمله کردند.^۶ همچنین برخلاف آن که روسیه اعلام کرده بود در ماه مارس نظامیان خود را از سوریه خارج می‌کند، اما مسکو نشان داده است که به حمایت مستقیم و غیرمستقیم از رژیم سوریه ادامه خواهد داد. با توجه به تعهد سیاسی و نظامی روسیه به اسد، هرگونه تلاش ایالات متحده برای یافتن یک راه‌حل پایدار برای جنگ در سوریه، به ناچار باید شامل روسیه نیز باشد.

۱ Reprocessing

۲ خواجه پور، (۲۰۱۵)، «روابط ایران-روسیه پس از توافق هسته‌ای»، المانیور، ۱۲ جولای ۲۰۱۵.

<http://www.al-monitor.com/pulse/originals/2015/07/iran-russia-nuclear-sanctions-economy-gas-oil.html#>

۳. مگر آن که رئیس‌جمهور جدید تصمیم بگیرد توافق را لغو کند که کروز نشان داده شده است که این کار را انجام خواهد داد.

۴ Tartus

۵ Bashar al-Assad

۶. استابز، (۲۰۱۵)، «چهار پنجم از نیروهای روسیه در سوریه، داعش را هدف قرار نمی‌دهند: تحلیل ریوترز»، ریوترز، ۲۱ اکتبر ۲۰۱۵.

<http://www.reuters.com/article/us-mideast-crisis-syria-russia-strikes-idUSKCN0SF24L20151021>

تسلیمات هسته‌ای

با وجود آن که اقتصاد روسیه به دلیل تحریم‌ها و تا حد بیشتری به دلیل قیمت‌های پایین نفت تحت فشار قرار گرفته است، اما این کشور همچنان به افزایش مخارج نظامی خود ادامه می‌دهد.^۱ این کشور سیستم‌های تسلیحاتی جدید زمینی، دریایی و هوایی در مانورهای نظامی و همچنین در عملیات‌های اوکراین و سوریه نمایش داده است. با وجود شروع کنترل تسلیحاتی روسیه در دوره اول اوباما، اما هر دو طرف به‌روزرسانی امکانات تسلیحات هسته‌ای خود را ادامه داده‌اند. مطابق با گفته وزارت امور خارجه ایالات متحده، روسیه مفاد پیمان منع تسلیحات هسته‌ای میان‌برد^۲ ۱۹۸۷ را نقض کرده است. پیاده‌سازی و آزمایش سیستم‌های موشکی هسته‌ای و همچنین توقف کاهش در تعداد تسلیحات هسته‌ای آماده‌به‌کار، همچنان مایه نگرانی است. این مسئله مخصوصاً با توجه به ادبیات تهاجمی‌تر پوتین در مورد نقش آن‌ها در یک جنگ می‌تواند مایه بی‌ثباتی باشد. به‌منظور بازگرداندن و افزایش ثبات به اقدامات اعتمادساز، رئیس‌جمهور آینده مجبور خواهد بود اولویت‌های استراتژیک آمریکا را با وجود افزایش جسارت روسیه، در حوزه هسته‌ای مدیریت کند.

مواضع سیاستی^۳

نامزدهای دموکرات

هیلاری کلینتون

هیلاری کلینتون سابقه بسیار بیشتری در زمینه سیاست خارجی نسبت به رقبای خود در هر دو حزب دارد. ویژگی وزارت او در امور خارجه، تلاش برای بهبود روابط ایالات متحده-روسیه بر اساس سیاست «از سرگیری» بود که طی دوره ریاست جمهوری دمیتری مدودف^۴ بنا نهاده شد. اما کلینتون در صورت انتخاب شدن، ریاست جمهوری را در شرایطی به دست می‌آورد که روابط این کشور با روسیه بسیار پیچیده‌تر و آشفته‌تر از سال ۲۰۱۳ است که وی وزارت امور خارجه را ترک کرد.

کلینتون در سال ۲۰۰۹ وزیر امور خارجه شد و قصد داشت رابطه بین ایالات متحده و روسیه را بازسازی کند. این رابطه به دلیل جنگ آمریکا در عراق، جنگ روسیه در گرجستان و همچنین اختلاف سیاست‌ها و اولویت‌ها در جبهه‌های مختلف آسیب‌دیده بود. این ازسرگیری روابط، نتایج کوتاه‌مدتی حاصل کرد؛ از جمله توافق برای اجازه به ایالات متحده برای استفاده از فضای هوایی روسیه برای تأمین تدارکات نیروهای خود در افغانستان و کاهش برنامه‌های ایالات متحده برای سیستم‌های دفاع موشکی در اروپای شرقی. این بازیابی

۱. گدی (۲۰۱۵) «افزایش آرام مخارج نظامی روسیه در سال ۲۰۱۶»، دیپلمات، ۱۰ نوامبر ۲۰۱۵.

<http://thediplomat.com/2015/11/russias-military-spending-to-increase-modestly-in-2016/>

۲ Intermediate-Range Nuclear Forces (INF) Treaty

۳ Policy positions

۴ Dmitry Medvedev

روابط، همچنین امکان طرح معاهده کنترل تسلیحات هسته‌ای نیو استارت^۱ را ایجاد کرد که کلیتون به طور مؤکد از آن حمایت می‌کرد.^۲ با این وجود، بعدها این اقدامات از نظر رژیم روسیه، متخاصمانه‌تر بود. وی در سال ۲۰۱۱ روسیه را متقاعد کرد تا نسبت به قطعنامه ۱۹۷۳ شورای امنیت^۳ رأی ممتنع بدهد. این قطعنامه اجازه دخالت در لیبی را می‌داد اما پس از آن، توسعه عملیات را به عنوان تأمین حمایت از نیروهایی می‌دانست که از طریق «طعمه گذاشتن»^۴ قصد عزل معمر قذافی^۵ را داشتند.^۶ پس از لیبی و تا پایان وزارت هیلاری کلیتون، اقدام مشترک مهم دیگری بین این دو کشور انجام نشد و حتی با وجود آن که تا قبل از بحران اوکراین-روسیه (یک سال پس از آن که کلیتون، وزارت امور خارجه را ترک کرد) هیچ برخورد حساسی بین دو کشور رخ نداد، اما روشن بود که این رابطه رو به زوال است.

تضعیف شدن روابط بدان معنا است که بعید است کلیتون در صورت تصدی ریاست جمهوری در سال ۲۰۱۷، به دنبال ایده «از سرگیری» روابط باشد. سابقه او بیانگر آن است که هر چند او نسبت به هم‌تایان جمهوری خواه^۷ خود تمایل بیشتری به همکاری با متحدان ایالات متحده دارد، اما نسبت به اواما متمایل به رویکرد قاطعانه‌تری در برابر تجاوز روسیه است. احتمالاً او بیش از اواما درخواست‌های تجهیز نیروی نظامی اوکراین را می‌پذیرد که البته اینها همگی بستگی به وضعیت آتش‌بس و پیشرفت به سمت یک راه‌حل سیاسی در دنباس دارد.

کلیتون خود را از سیاست اواما در سوریه جدا کرده است و در سال ۲۰۱۲ به یک برنامه جامع آموزشی برای شورشیان سوری ابراز تمایل کرده است. درخواست او برای ایجاد منطقه پرواز ممنوع و تقویت حمایت از گروه‌های شورشی بدان معنا است که او همچنان خواستار حذف رژیم اسد است. با این وجود غلبه بر داعش در فهرست اولویت‌های او در جایگاه بالاتری قرار دارد و تمایل خود را برای دستیابی به یک راه‌حل سیاسی در این زمینه نشان داده است و با پوتین مذاکره کرده است.^۸ در رابطه با ایران، کلیتون توافق هسته‌ای را حفظ خواهد کرد اما مُصر بر گشایش‌های دیپلماتیک بیشتر (لااقل در کوتاه‌مدت) خواهد بود. او خواستار تحریم‌های

^۱ the New START nuclear arms control treaty

^۲ هیل (۲۰۱۱)، «توضیحات وزیر امور خارجه، هیلاری کلیتون درمورد نیو استارت»، ۱۷ نوامبر ۲۰۱۰

<http://thehill.com/blogs/congressblog/foreign-policy/129707-secretary-of-state-hillary-clintons-remarks-on-new-start>

^۳ UN Security Council Resolution 1973

^۴ bait and switch

^۵ Muammar Gaddafi

^۶ بکر و شین (۲۰۱۶)، «هیلاری کلیتون، قدرت هوشمند و سقوط یک دیکتاتور»، نیویورک تایمز، ۲۷ فوریه ۲۰۱۶،

http://www.nytimes.com/2016/02/28/us/politics/hillary-clinton-libya.html?hp&action=click&pgtype=Homepage&clickSource=storyheading&module=span-ab-top-region®ion=top-news&WT.nav=top-news&_r=0

^۷ Republican counterparts

^۸ کوپان، (۲۰۱۵)، «هیلاری کلیتون: من می‌خواهم در رابطه با سوریه، روسیه [نیز] بر سر میز مذاکره باشد»، سی.ان.ان، ۱ دسامبر ۲۰۱۵،

<http://edition.cnn.com/2015/12/01/politics/hillary-clinton-2016-election-cbs/>

بیشتری جهت تنبیه ایران برای برنامه موشک‌های بالستیک به عنوان بخشی از خط‌مشی «بی‌اعتمادی و راستی‌آزمایی»^۱ است.^۲

اگرچه او اصطلاح «بی‌اعتمادی و راستی‌آزمایی» را مشخصاً در رابطه با ایران به کار برده است، اما این اصطلاح به خوبی رویکرد کلیتون را در مورد روسیه نیز توصیف می‌کند. او به هیچ وجه مخالف مقابله یا استفاده بیشتر از قدرت آمریکا در این زمینه نیست. او که تلاش کرده است روابط با روسیه را بهبود ببخشد اما شکست خورده است، کاملاً موافق با افزایش پیوسته فشار آمریکا بر روسیه در تمام مناطق و مسائل خواهد بود تا از موضع استراتژیک ایالات متحده در جهان حمایت کند.

بارنی سندرز

بارنی سندرز، رویکرد نسبتاً متفاوتی در رابطه با روسیه دارد. او در سخنرانی‌های انتخاباتی خود عمدتاً اولویت بالاتری به سیاست داخلی نسبت به سیاست خارجی داده است و تمرکز خود را به طور خاص بر عدالت اقتصادی گذاشته است. به استثنای چند مورد، او تقریباً تا اواخر فصل مقدماتی انتخابات تمایل نداشت در مورد مسائل امور خارجه چیزی بگوید.^۳ او بر اساس همین استراتژی کلی، نظرات نسبتاً کمی در مورد روسیه داده است. با این وجود او گفته است که ایالات متحده باید رویکرد فراگیرتری اتخاذ کند و ساختار ائتلافی جدیدی بسازد که روسیه را نیز در بر بگیرد.^۴ تأکید کلی او بر راه‌حل‌های دیپلماتیک بدان معنا است که بعید است به دنبال تجهیز نیروی نظامی اوکراین یا تقویت چشمگیر نیروهای آمریکایی در اروپای شرقی باشد. سندرز همچون کلیتون نشان داده است که به طور کلی علاقه‌مند به کاهش برنامه‌های مدرن‌سازی هسته‌ای در ایالات متحده است، اما او نیز مانند کلیتون در سفرهای انتخاباتی^۵ خود جزئیات زیادی در این مورد بیان نکرده است.

ساندرز در رویکردی متناسب با جهان‌بینی خود به روسیه نزدیک خواهد شد. این جهان‌بینی (که با خط‌مشی سیاست داخلی پوپولیستی^۶ وی در تضاد است) در حزب دموکرات نسبتاً پذیرفته شده است. در دیدگاه او روسیه اساساً یک کنشگر عقلایی است که می‌توان با وی معامله کرده و از طریق شبکه‌های قدرت نرم واقع در ایالات متحده موافقت آن را به دست آورد. این امر منجر به انتخاب سیاست‌هایی متفاوت با کلیتون می‌شود، به ویژه از نظر مقدار نیروی نظامی که وی در اروپای شرقی مستقر خواهد کرد. اما عقیده سندرز در رابطه با

^۱ distrust and verify

^۲ ریچاردسون، (۲۰۱۶)، «کلیتون خواستار تحریم‌های جدید علیه ایران است»، د هیل، ۱۶ ژانویه ۲۰۱۶.

^۳ <http://thehill.com/policy/nationalsecurity/266173-clinton-calls-for-new-sanctions-on-iran>

^۴ هاجسون، (۲۰۱۶)، «خبر دسته اول: برنی سندرز، تیم سیاست خارجی خود را تشکیل می‌دهد»، سیاست خارجی، ۲۴ فوریه ۲۰۱۶.

^۵ <http://foreignpolicy.com/2016/02/24/exclusive-bernie-sanders-begins-building-foreign-policy-team/>

^۶ سندرز (۲۰۱۵)، «توضیحات آماده‌شده: سناتور بارنی سندرز در مورد سوسیالیسم دموکراتیک در ایالات متحده»، برنی ۲۰۱۶، ۱۹ نوامبر ۲۰۱۵.

<https://berniesanders.com/democratic-socialism-in-the-united-states/>

^۷ campaign trail

^۸ populist domestic policy platform

اهمیت چندجانبه‌گرایی^۱ و حفظ روابط با متحدان، او را به این مسیر رهنمون می‌سازد که تعادل قوای فعلی را حفظ کند و تغییر ناگهانی در سیاست‌های فعلی ایالات متحده به وجود نیآورد.

اگر سندرز نتواند از مشاوران خبره‌ای در زمینه سیاست خارجی بهره بگیرد، احتمالاً به مقامات عالی‌رتبه حزب دموکرات در امنیت ملی^۲ با تجربه کار در دوران ریاست جمهوری او باما و بیل کلینتون مراجعه خواهد کرد. در این صورت لااقل در کوتاه‌مدت، تفاوت اندکی بین سیاست‌های او باما و سیاست‌های او وجود خواهد داشت. در افق بلندمدت‌تر، سندرز تمایل بیشتری به برداشتن تحریم‌های آمریکا بر روسیه یا فشار کمتر بر اتحادیه اروپا برای حفظ تحریم‌ها بر روسیه خواهد داشت، اگرچه حمایت او از آن تحریم‌ها پس از الحاق کریمه بدان معنا است که او کاملاً با تحریم‌ها به عنوان یک ابزار قهری موافق است. سرانجام آن که با توجه به اهمیت مسائل حقوق بشری برای او، سندرز ممکن است برخورد روسیه با مخالفان و وضعیت رو به زوال این کشور در زمینه مسائل اجتماعی را به عنوان بهانه‌ها ی برای توجیه تداوم فشار آمریکا بر روسیه در خارج از مرزها استفاده کند.

نامزدهای جمهوری خواه

دونالد ترامپ

موضع دونالد ترامپ در مورد روسیه به وضوح روشن نشده است، اما اظهارات او نمایانگر یک رویکرد اساساً متفاوت با اکثر غالب هم‌تایان او در حزب جمهوری خواه است. تمایل او به پذیرش اظهارات روسیه و دور شدن از سیاست‌های فعلی آمریکا او را در جایگاه متمایزی در این انتخابات قرار می‌دهد.

این مسئله با یک چارچوب کلی‌تر در دیدگاه‌های سیاست خارجی ترامپ (تمایل به بازتعریف^۳ نقش ایالات متحده در جهان) سازگار است. او به روابط اتحادی دیدگاه تبادل^۴ دارد و متمایل است یا نیروهای آمریکایی از کشورهای متحد خارج شود یا متحدان ملزم شوند در ازای حمایت استراتژیک، بهای آن را به صورت مالی یا به صورت متقابل^۵ بپردازند. اظهارات او به طور مشخص در مورد ناتو بیانگر آن است که او منافع حاصل از خروج از تعهدات ائتلافی^۶ را بسیار بیشتر از هرگونه منافع امنیتی ناشی از چنین تدابیری می‌داند.^۷

^۱ Multilateralism

به معنای ائتلاف بین سه یا بیش از سه دولت یا انجام یک اقدام مشترک توسط سه یا بیش از سه دولت است.

^۲ Democratic national security officials

^۳ Reconfigure

^۴ transactional view

^۵ In kind

^۶ alliance commitments

^۷ کاستا و راکر (۲۰۱۶)، «ترامپ نیاز به ناتو را زیر سوال می‌برد و سیاست خارجی غیرمداخله‌گرانه را طرح‌ریزی می‌کند»، واشینگتن پست، ۲۱ مارس ۲۰۱۶.

<https://www.washingtonpost.com/news/post-politics/wp/2016/03/21/donald-trump-reveals-foreign-policy-team-in-meeting-with-the-washington-post/>

ترامپ به دفعات زیادی پوتین را تحسین کرده است و از او در مقابل اتهام دست داشتن در کشتار اشخاص و روزنامه‌نگاران روس مخالف دولت دفاع کرده است. پوتین نیز این تحسین متقابل را انجام داده است و از ترامپ به عنوان «یک رهبر زیرک و باهوش» یاد کرده است.^۱

موضع ترامپ در رابطه با اوکراین نیز با جریان متعارف جمهوری خواهان و نیز با موضع کلی‌تر او مبنی بر آن که ایالات متحده باید کمتر در سطح جهان، «سیاست‌گذاری» کند مگر آن که منافع این کشور (آن طور که او می‌بیند) به شدت درگیر آن شده باشد، متفاوت است. اگر چه او به وضوح مسیری موافق با روسیه اتخاذ نکرده است، اما او نسبت به رقبای خود در هر دو حزب، تمایل بسیار کمتری به درگیری آمریکا در اوکراین دارد.^۲ اظهارات ترامپ مبنی بر آن که وضعیت اوکراین «مشکل اروپا» است، بدان معنی است که او از نیروی نظامی این کشور از طریق کمک‌های نظامی مخرب حمایت نخواهد کرد و حتی ممکن است کمک‌های غیرمخرب و اقتصادی فعلی را نیز پس بگیرد، بدون آن که توجهی به اثر آن بر وضعیت خطرناک اوکراین بین غرب و شرق داشته باشد.

ترامپ تنها نام تعداد اندکی از مشاوران سیاست خارجی خود را اعلام کرده است و تعداد اندکی از آن‌ها در ریاست جمهوری‌های قبلی خدمت کرده‌اند.^۳ به نظر می‌رسد که تنها یکی از آن‌ها (کارت‌ر پیچ) در امور روسیه متخصص است و تا جایی که دیدگاه‌های او مشخص شده است، آن‌ها با ناتو بسیار مخالف‌تر از آنچه هستند که در محافل امنیت ملی حزب جمهوری خواه رایج است.^۴

ترامپ در رابطه با سوریه نیز استراتژی نسبتاً متفاوتی نسبت به رقبای جمهوری خواه خود اتخاذ کرده است. برخلاف این حقیقت که سیاست ایالات متحده به سمت سقوط اسد بوده و دخالت نظامی روسیه به منظور تحکیم حکومت ریاست جمهوری سوریه صورت گرفته و عمدتاً گروه‌های شورشی مسلح و تحت حمایت ایالات متحده را مورد هدف قرار داده است، اما ظاهراً ترامپ اهداف روسیه و آمریکا را در این کشور به طور کلی سازگار می‌داند. در رابطه با ایران، ترامپ به شدت منتقد برجام بوده، اما همانطور که سایر

۱. بوتلهور و دایاموند (۲۰۱۵)، «پوتین، ترامپ، زیرک و باهوش» را تحسین می‌کند، سی.ان.ان، ۱۸ دسامبر ۲۰۱۵.

<http://edition.cnn.com/2015/12/17/politics/russia-putin-trump/>

۲. بیرنباوم و دل رنال (۲۰۱۵)، «ترامپ به کنفرانس اوکراین می‌گوید کشور آنها به این دلیل مورد هجوم قرار گرفت که "ایالات متحده هیچ شکوهی ندارد"» واشنگتن پست، ۱۱ سپتامبر ۲۰۱۵.

<https://www.washingtonpost.com/news/post-politics/wp/2015/09/11/trump-tells-ukraine-conference-their-nation-was-invaded-because-there-is-no-respect-for-the-united-states/>

۳. در واقع، تعداد زیادی از کارشناسان سیاست خارجی جمهوری خواه او را برای ریاست جمهوری نامناسب خوانده‌اند. بعید است در صورت پیروزی ترامپ، آنها تیم سیاست خارجی او را تشکیل دهند. به عنوان مثال رجوع کنید به وار آن در راکس (۲۰۱۶)، «نامه سرگشاده رهبران امنیت ملی حزب جمهوری خواه به دونالد ترامپ»، ۲ مارس ۲۰۱۶.

<http://warontherocks.com/2016/03/open-letter-on-donald-trump-from-gop-national-security-leaders/>

۴. مافسون و ریان (۲۰۱۶)، «یکی از مشاوران سیاست خارجی ترامپ یک فارغ‌التحصیل دانشگاهی در سال ۲۰۰۹ است که مدرک ال‌گویی سازمان ملل را به‌عنوان رزومه خود ذکر می‌کند»، واشنگتن پست، ۲۲ مارس ۲۰۱۶.

<https://www.washingtonpost.com/news/checkpoint/wp/2016/03/21/meet-the-men-shaping-donald-trumps-foreign-policy-views/>

جمهوری خواهان پیشنهاد کرده‌اند او نیز گفته است که این توافق باید اصلاح شود نه آن که به طور کلی کنار گذاشته شود.^۱

به سختی می‌توان بر اساس اظهارات انتخاباتی ترامپ موضع دقیق او را در مورد تسلیحات هسته‌ای تعیین کرد. او در مصاحبه‌ای با نیویورک تایمز خاطر نشان کرد که در مورد مدت و شرایط بازدارندگی هسته‌ای ایالات متحده نگران است. اما در عین حال او بیان کرد که متحدان ایالات متحده باید به جای اتکا به حمایت نظامی این کشور، برنامه‌های تسلیحات هسته‌ای خود را دنبال کنند.^۲

تد کروز

رویکرد تد کروز عمدتاً مطابق با تفکر سیاست خارجی جنگ‌افروزانه جمهوری خواهان در مورد روسیه است. با این وجود، او از برخی اصول تهاجمی‌تر جریان غالب این حزب در رابطه با سیاست خارجی فاصله گرفته است. تیم مشاوران سیاست خارجی او بر اساس معیارهای بسیاری از رقبای پیشین او در این کمپین، نسبتاً غیرمتعارف است.^۳ کروز مدافع سرسخت ترویج دموکراسی نیست، یا در مواردی که منافع آمریکا مستقیماً در میان نباشد، دخالت نظامی نمی‌کند، بلکه موضع او آن است که ظاهراً بیشتر به دنبال دفاع از منافع آمریکا است نه توسعه آن‌ها.

با این وجود، کروز خواستار تأمین تسلیحات برای نیروی نظامی اوکراین شده است. واژه مشخصی که او استفاده می‌کند (تسلیحات دفاعی^۴)، شاید نسبت به آنچه سایرین بیان کرده‌اند، رویکرد نسبتاً محدودتری را نشان می‌دهد، مثلاً رقیب پیشین او مارکو روبیو^۶ از واژه «کمک مرگبار»^۷ استفاده کرده بود. سیاست‌های کروز همچنان به افزایش درگیری آمریکا در اوکراین دلالت دارد. ادبیات محدودتر او نسبت به افرادی همچون روبیو نشان می‌دهد که او متمایل به تأمین موشک‌های ضدتانک برای اوکراین است، اما به دنبال فرستادن تسلیحات قدرتمندتری، لااقل در کوتاه‌مدت نخواهد بود.

۱. سلیمان، (۲۰۱۶)، «آیا دونالد ترامپ تنها جمهوری خواه برجسته‌ای است که در رابطه با ایران می‌توانیم به وی اعتماد کنیم؟»، اسلات، ۱۹ ژانویه ۲۰۱۶،

http://www.slate.com/articles/news_and_politics/politics/2016/01/donald_trump_is_the_only_serious_gop_candidate_who_hasn_t_promised_to_rip.html

۲. نیویورک تایمز، (۲۰۱۶)، «دست‌نویس: دونالد ترامپ دیدگاه‌های سیاست خارجی خود را توضیح می‌دهد»، ۲۶ مارس ۲۰۱۶،

<http://www.nytimes.com/2016/03/27/us/politics/donald-trump-transcript.html>

۳. لیک، (۲۰۱۶)، «کروز نسبت به رقبای خود یک تیم نامتعارف برای سیاست خارجی گرد آورده است»، بلومبرگ ویو، ۱۷ مارس ۲۰۱۶،

<http://www.bloombergvew.com/articles/2016-03-17/cruz-assembles-an-unlikely-team-of-foreign-policy-rivals-defensive-weaponry>

۵. فاکس نیوز، (۲۰۱۵)، «کروز به ایالات متحده فشار می‌آورد که اوکراین را تجهیز کند، در حالی که رهبران اروپا برای آتش‌بس فشار می‌آورند»، فاکس نیوز پالیسیکس، ۸ فوریه ۲۰۱۵،

<http://www.foxnews.com/politics/2015/02/08/cruz-pushes-for-us-to-arm-ukraine-plan-opposed-by-germany-ahead-possible-peace.html>

۶ Marco Rubio

۷ lethal aid

کروز نشان داده است که او معتقد است مدرن‌سازی هسته‌ای ایالات متحده باید ادامه یابد.^۱ بعید است که او در کوتاه‌مدت حامی گفتگو با روسیه در مورد تسلیحات هسته‌ای جدید باشد، اما با توجه به این که بارها دونالد ریگان را تحسین کرده است که چنین مذاکراتی را اساس سیاست خارجی در دوره دوم ریاست جمهوری خود قرار داد بود، دور از ذهن نیست که او نیز این کار را انجام دهد.

به بیان وسیع‌تر، کروز از افزایش قابل توجه حضور نظامی آمریکا در اروپای شرقی حمایت می‌کند. این منجر به افزایش تلاش‌ها برای کاهش اثرگذاری روسیه در منطقه و بنابراین حضور مجدد تعداد زیادی از نظامیان آمریکا در آنجا به طور دائم و پیاده‌سازی سامانه‌های دفاع موشکی بیشتر برای اروپا خواهد شد.

در سوریه، کروز کمک نظامی بیشتری برای گروه‌های شورشی تحت حمایت آمریکا که در حال جنگ با دولت سوریه و داعش هستند تأمین خواهد کرد، اما برخلاف برخی رقبای جمهوری‌خواه پیشین، تمرکز خود را بر شکست داعش خواهد گذاشت نه کنار گذاشتن اسد از قدرت. او احتمالاً تا زمانی اثرگذاری روسیه در تعیین یک راه‌حل سیاسی برای جنگ سوریه را خواهد پذیرفت که با استراتژی ضد‌داعش او تعارض پیدا نکند.

کروز به عنوان اساس سیاست خارجی خود با توافق هسته‌ای ایران مخالف است که بدان معنا است که «در یک روز» از ریاست جمهوری خود این توافق‌نامه را لغو خواهد کرد. در صورت پیروزی وی در انتخابات، چنین تصمیمی احتمالاً یکی از برنامه‌های حتمی جمهوری‌خواهان خواهد بود و بدان معنا است که تسلط این حزب بر هر دو کنگره ادامه دارد (که احتمالاً تحت ریاست جمهوری وی، ایالات متحده به صورت یک‌طرفه مجدداً تحریم‌هایی بر ایران اعمال خواهد کرد که با مکانیزم‌های پیشین طی شده در سازمان ملل در تضاد خواهد بود). سایر طرف‌های توافق برجام (بریتانیا، روسیه، چین، فرانسه و آلمان) مجبور به اتخاذ چنین تصمیمی نخواهند بود. با توجه به عدم وجود شواهدی مبنی بر نقض توافق‌نامه توسط ایران، از سرگیری یکجانبه تحریم‌ها توسط ایالات متحده منجر به همکاری و نزدیکی روسیه با شرکای ایالات متحده در اروپا خواهد شد.

دلالت‌های بین‌المللی

برای متحدان ایالات متحده (به ویژه کشورهای واقع در اروپا) تفاوت رویکرد نامزدها نسبت به روسیه حاوی نکات ارزشمندی است. رابطه بین ایالات متحده و روسیه پیچیده و چندبعدی است و بر ابعاد مهم و متعددی از ساختار امنیت بین‌الملل^۲ اثرگذار است. نهایتاً سندرز و کلیتون تا حد زیادی تحت ساختار فعلی امنیت بین‌الملل عمل خواهند کرد، در حالی که کروز حدود آن را افزایش خواهد داد و ترامپ به دنبال برهم‌زدن آن است.

۱. میکسلر، (۲۰۱۵)، «نظر نامزدهای ریاست‌جمهوری ۲۰۱۶ در مورد مسائل هسته‌ای»، مرکز کنترل و منع گسترش تسلیحات، پروژه ناکر آو هزارد بلاگ، ۱۹ ژانویه ۲۰۱۶.

<http://nukesofhazardblog.com/the-2016-presidential-candidates-on-nuclear-issues/>
۲ international security architecture

حتی اگر شباهت‌های قابل ملاحظه و شناخته‌نشده‌ای^۱ بین سیاست‌های نامزدها (به جز ترامپ) وجود داشته باشد که به دنبال تصویب آن‌ها خواهند بود، اما تفاوت‌های بالقوه‌ای در رویکرد آن‌ها وجود دارد که نسبتاً قابل توجه است (برای مثال، کروز و کلینتون در مورد اوکراین به گونه بسیار متفاوتی سخن گفته‌اند که این اثراتی نیز بر سیاست خواهد داشت، اما ویژگی‌های برنامه‌های آن‌ها قابل مقایسه است).

در رابطه با متحدان ایالات متحده در اروپای غربی، کروز تفاوت بالقوه قابل ملاحظه‌ای در مورد ایران نشان می‌دهد. هرچند کلینتون و سندرز روابط با ایران را به صورت متفاوتی مدیریت خواهند کرد، اما هر دو آن‌ها توافق هسته‌ای را حفظ خواهند کرد و فضا را برای کشورهای اروپایی باز می‌گذارند تا مشارکت اقتصادی و سیاسی خود را با تهران گسترش داده و تعمیق کنند و در عین حال رویکرد دو سویه خود را در مورد روسیه حفظ می‌کنند. ترامپ نیز احتمالاً توافق را با وجود انتقاداتی که بر آن دارد حفظ می‌کند و اگرچه ممکن است سعی کند فرصت‌هایی برای شرکت‌های آمریکایی برای رقابت با هم‌تایان اروپایی خود در ایران ایجاد کند، اما این راهبرد، نقش روسیه را در آنجا تغییر نخواهد داد.

اگر کروز به وعده‌های انتخاباتی خود عمل کند و به صورت یک‌جانبه تحریم‌های آمریکا بر ایران را بازگرداند، متحدان اروپایی ایالات متحده را در جایگاه بسیار مشکلی قرار می‌دهد (انتخاب بین رابطه با یک کشور استراتژیک در حاشیه خلیج فارس و اتحاد با ایالات متحده که به‌تازگی یکی از اصول سیاست خارجی خود در سال‌های اخیر را معکوس کرده است). بنابراین کروز به روسیه اجازه خواهد داد تا خود را به‌عنوان طرف منطقی و ثابت‌قدم در دیپلماسی خاورمیانه و مسائل مربوط به منع گسترش تسلیحات نشان دهد. این منجر به تقویت تلاش‌های روسیه برای مذاکره و دستیابی به یک نتیجه مطلوب در اوکراین خواهد شد و ممکن است عاملی برای برداشته‌شدن تحریم‌های اتحادیه اروپا بر این کشور شود.

لازم به ذکر است که حوزه اصلی رقابت استراتژیک بین ایالات متحده و روسیه، اروپا است که ایالات متحده به دلیل اتحاد با آن‌ها، باید تعهدات دوجانبه و چندجانبه متعددی را مدنظر قرار دهد. فارغ از توافق با ایران، کروز، کلینتون و سندرز همگی (به اشکال مختلف) پایبند به منطق سنتی آمریکا در مورد ارزشمند بودن تعهدات ایالات متحده به اروپا هستند.

متحدان ایالات متحده در اروپای شرقی ممکن است از افزایش نیروهای ایالات متحده به شیوه کروز و تا حد کمتری به شیوه کلینتون استقبال کنند، در حالی که متحدین واقع در اروپای غربی که به دنبال آن هستند که فرصت‌های بیشتری به روسیه برای کاهش بحران دهند، ممکن است از این اقدامات خشمگین شوند^۲. در مقابل، کشورهای اروپای غربی ممکن است دریابند که اتکای سندرز بر ابزار قدرت نرم، چندان اطمینان‌بخش نیست.

^۱ underappreciated

^۲ توجه شود که همانطور که قبلاً بیان شد، کشورهای اروپای غربی بیشتر به دنبال راه‌حل غیرنظامی برای بحران اوکراین هستند-مترجم.

استراتژی کروز به طور خاص رویکردی در رابطه با روسیه دارد که در آن هم ریسک و هم منفعت بالا است. بر اساس این استراتژی، یک رزمایش نظامی^۱ پوتین را متقاعد خواهد کرد که به جای آن که صرفاً احتمال یک بحران پیش‌بینی‌نشده در منطقه را افزایش دهد و در عین حال بین کشورهای اروپایی شکاف ایجاد کند، در چارچوب نظم جهانی مدنظر ایالات متحده عمل کند. هر چند رویکرد کلیتون در مورد این جبهه تفاوت عمده‌ای با کروز ندارد، اما مزیت او آن است که در یک دوره زمانی وزیر امور خارجه بوده است و بنابراین با بسیاری از بازیگران عمده اروپایی و روس آشنایی دارد. این فاکتور به‌ناچار یک شمشیر دولبه است اما بدان معنا است که او قادر خواهد بود به صورت موثرتری در مورد سیاست خود گفتگو کند و انتقاد اروپائیان را از همان ابتدای ریاست جمهوری خود برطرف کند. کروز، سندرز و ترامپ همگی مجبور خواهند بود این روابط را کم و بیش از صفر شکل دهند.

با وجود آن که کلیتون، سندرز و کروز رویکردهای مختلف و شیوه‌های بیان کاملاً متفاوتی دارند، متحدین ایالات متحده درک خواهند کرد که هر یک از آنها که در انتخابات پیروز شود، روند اساسی استراتژی بلندمدت آمریکا در رابطه با روسیه را ادامه خواهند داد. در مقابل، ترامپ بیشترین انحراف را در این استراتژی طی ۷۰ سال گذشته خواهد داشت. تمایل آشکار وی برای ترسیم مرزهای منافع ملی آمریکا به‌گونه‌ای که درها را برای آزادی عمل روسیه در اروپا و خاورمیانه باز کند، او را در دسته‌بندی متمایزی در میان سیاستمداران آمریکا قرار می‌دهد. همچنین سیاست ترامپ بدان معنا است که به جای تلاش ایالات متحده برای دفاع از نظم جهانی فعلی و تلاش روسیه برای به‌چالش کشیدن آن، هر دو کشور به وضعیت موجود حمله خواهند کرد.

ترامپ در تلاش برای اجرایی کردن این سیاست (مثلاً با خارج کردن سربازان آمریکایی از اروپا) احتمالاً با مخالفت هر دو حزب در گنگره و همچنین در بوروکراسی اجرایی مواجه خواهد شد. اما او وقتی توسط رقبای خود به چالش کشیده شده است، علاقه‌ای به همکاری یا صرفنظر کردن از هدف خود نشان نداده است. بنابراین او احتمالاً چنین موانعی را رفع کرده و تلاش می‌کند سیاست‌های خود را از طریق دستورات اجرایی^۲ پیاده کند (که باز هم ممکن است کنگره آن‌ها را رد کند). این تنش، میزان تغییراتی که او می‌تواند در مسیر ایالات متحده ایجاد کند را محدود می‌کند، اما منجر به ایجاد نااطمینانی می‌شود و این اثباتی بر ادعای او است که آمریکا یک متحد سرگردان و غیرقابل اتکا است. این امر به نوبه خود انگیزه را برای روسیه فراهم می‌کند که بتواند در مورد اروپا، خاورمیانه و مسائل وسیع‌تری از امنیت بین‌الملل، جبهه بگیرد.

یک امکان دیگر آن است که ترامپ و پوتین بر سر برخی ابعاد سیاستی به اختلاف برسند و باعث شود ترامپ به آن ادبیات جنگ‌افروزان‌ها ی تغییر جهت دهد که در رابطه با چین، مکزیک و سایر دشمنان اتخاذ کرده است. در این حالت، در صورت عدم استفاده از اهرم اقتصادی بر روسیه (که بر اساس اظهارات او این

^۱ show of force

^۲ executive fiat

ابزار برای برخورد با کشورهای مخالف ترجیح دارد) اصلاً مشخص نیست که او چه رویکردی اتخاذ خواهد کرد یا از چه ابزاری استفاده خواهد کرد.

به طور خلاصه، در صورت پیروزی ترامپ، متحدین ایالات متحده نیاز دارند که ابعاد اصلی مواضع ژئوپولیتیک خود را مجدداً ارزیابی کنند. کشورهای اروپای شرقی به طور مشخص باید تصمیم بگیرند با توجه به آن که ایالات متحده دیگر تمایل ندارد به آنها در بازاری از پیشروی روسیه کمک کند، آیا می‌توانند جهت‌گیری غربی خود را حفظ کنند و همچنین کشورهای اروپای غربی ممکن است مجبور باشند در رابطه با این که تا چه حدی می‌توانند اتحاد خود را در مقابل تحریم‌ها و اوکراین حفظ کنند، تجدیدنظر جدی نمایند.

فارغ از نتیجه انتخابات احتمال دارد که سیاست ایالات متحده در مورد روسیه از ژانویه ۲۰۱۷ به میزان قابل توجهی تغییر کند. این سؤال که آیا چنین تغییری یک بازآرایی زیرکانه و ابزاری است که ایالات متحده به وسیله آن از پیشروی استراتژیک روسیه جلوگیری می‌کند یا یک تغییر عمده در نقش ایالات متحده در جهان است، مربوط به مسئله پیروزی جمهوری خواهان یا دموکرات‌ها نیست بلکه مربوط به مسئله پیروزی ترامپ یا سایر نامزدها است.

درباره نویسنده

دکتر ژاکوب پاراکیلایس^۱، معاون برنامه ایالات متحده و قاره آمریکا^۲ در چتم هاوس است. او قبلاً در یک سازمان مردم‌نهاد^۳ در لندن با موضوع کاهش جهانی خشونت مسلحانه، به‌عنوان رئیس بخش تسلیحات در اقدام علیه خشونت مسلحانه^۴ کار می‌کرد. تحقیقات دانشگاهی وی شامل تسلیحات هسته‌ای، بازیگران غیردولتی مسلح در خاورمیانه و خشونت در مواد مخدر^۵ و همچنین تجارت تسلیحات در مکزیک می‌شود. او همچنین در مؤسسه امنیت جهان^۶، انجمن کنترل تسلیحات^۷ و وزارت امنیت داخلی ایالات متحده^۸ کار کرده است.

درباره سری یادداشت انتخاباتی ۲۰۱۶ ایالات متحده

انتخابات ریاست جمهوری و کنگره ایالات متحده در نوامبر سال ۲۰۱۶ در زمانی انجام می‌شود که درون ایالات متحده شاهد تغییرات و در سطح جهان شاهد نااطمینانی هستیم. این که رئیس‌جمهور آینده چگونه با چالش‌های بین‌الملل برخورد خواهد کرد، نه تنها یک مسئله محوری برای رونق و امنیت ایالات متحده است، بلکه با توجه

^۱ Dr Jacob Parakilas

^۲ US and the Americas Programme

^۳ NGO

^۴ Action on Armed Violence

^۵ drug violence

^۶ World Security Institute

^۷ Arms Control Association

^۸ US Department of Homeland Security

به تداوم قدرت اقتصادی و سیاسی آن در سطح جهان، برای رونق و امنیت کشورهای سراسر جهان اهمیت خواهد داشت.

در ماه‌های قبل و پس از انتخابات شاهد تعداد زیادی از تحلیل‌ها و گزارش‌های رسانه‌ها و نهادهای ایالات متحده در مورد آینده سیاست داخلی و خارجی خواهیم بود که هدف آن‌ها اساساً اثرگذاری بر عموم مردم ایالات متحده و مخاطبان سیاست‌گذار است. برنامه ایالات متحده و قاره آمریکا با استفاده از شهرت بین‌المللی چتم هاوس در ارائه تحلیل‌های مفید و مستقل، مسیر احتمالی سیاست بین‌الملل ایالات متحده پس از انتخابات ریاست جمهوری ۲۰۱۶ را ارزیابی خواهد کرد. مقالات یادداشت‌انتخاباتی با نگاه از بیرون به سیاست خارجی ایالات متحده، دلالت‌های آن را برای سایر کشورها تحلیل خواهد کرد و به آن‌ها کمک می‌کند تا درک کنند که چگونه یک رئیس‌جمهور و سیاست‌های او بر آن‌ها اثرگذار خواهد بود.

با نزدیک شدن به انتخابات، چتم هاوس در حال تدوین یک سری از یادداشت‌های انتخاباتی در مورد مسائل مهم سیاست خارجی است که پیش‌زمینه، مواضع نسبی نامزدهای اصلی و دلالت‌های بین‌المللی هر یک را توضیح می‌دهد. این یادداشت‌های انتخاباتی نه تنها تحلیل مستقلی از گفته‌های نامزدها ارائه می‌دهد، بلکه در مورد سابقه خدمات دولتی آن‌ها (در صورت مرتبط بودن) و تیم‌های سیاست خارجی و داخلی آن‌ها نیز اطلاعاتی ارائه می‌دهد تا ارزیابی عمیق‌تر و جامع‌تری از رویکرد احتمالی آن‌ها در مورد مسائل مهم سیاست خارجی فراهم کند. این یادداشت‌ها برای دولت‌ها، کسب‌وکارها، سازمان‌های مردم‌نهاد، نهادها و عموم مردم هدف‌گذاری شده است.

سری یادداشت‌انتخاباتی ایالات متحده با حمایت بنیاد استاوروس نیارچوس^۱ تدوین شده است.

^۱ Stavros Niarchos Foundation



US Election Note: Russia Policy After 2016

Chatham House

Translated By
Presidential Center for Strategic Studies
Feb 2017